

# کبرییت

شهر روز مهاجر

با همکاری مهدی غیاث (مجموعه دار کبرییت)



۶.....	مقدمه
۹.....	کبریت ایرانی
۱۳.....	ورود کبریت فرنگی به ایران
۲۵.....	ساخت نخستین کبریت ایرانی در تهران
۳۲.....	فروش کبریت در پایتخت
۳۶.....	کبریت‌سازی توکلی
۳۹.....	کبریت‌سازی ممتاز (مؤسسه‌ی کبریت‌سازی ایران)
۴۴.....	صنعت کبریت‌سازی پس از تصویب قانون انحصار
۵۲.....	کبریت، گرافیک مردمی
۵۳.....	طراحی برچسب کبریت
۵۴.....	طراحی نخستین برچسب‌های خارجی
۶۵.....	پیدایش نشان‌های تجاری در صنعت کبریت‌سازی
۹۸.....	طرح‌های سه‌تایی در گرافیک جهانی کبریت
۱۰۸.....	ورود تبلیغات به گرافیک جهانی کبریت در نیمه‌ی نخست قرن بیستم...
۱۰۹.....	تحولات گرافیک کبریت در قرن بیستم
۱۱۵.....	گرافیک کبریت ایرانی
۱۱۶.....	کبریت‌های دو زبانه، ساخت روسیه و ژاپن
۱۲۴.....	کبریت‌سازی‌های ایرانیان و اسلام، ۱۲۸۷-۱۲۹۷ خورشیدی
۱۲۵.....	کبریت توکلی، ۱۲۹۷ خورشیدی
۱۵۸.....	کبریت ممتاز، ۱۳۰۰ خورشیدی
۲۰۰.....	کبریت‌های تولید شده در همدان، از ۱۳۰۶ خورشیدی
۲۰۷.....	کبریت‌سازی‌های تهران، از ۱۳۱۲ خورشیدی
۲۱۹.....	کبریت‌های تولید شده در اصفهان، از ۱۳۱۲ خورشیدی

## مقدمه

کتاب حاضر، حاصل پژوهش میدانی نسبتاً بلندمدتی است در تاریخ و همچنین شناخت گرافیک کبریت ایرانی. پیدایش این جریان که بخش مهمی از فرهنگ تصویری ایران در سده‌ی اخیر را تشکیل می‌دهد، به واپسین سال‌های دوره‌ی قاجار بازمی‌گردد که تقریباً مقارن است با نخستین بارقه‌های جدی جریان مدرنیزاسیون در ایران. کبریت که در نیمه‌ی نخست قرن چهاردهم خورشیدی، کالایی مهم و ضروری محسوب می‌شده، در مدتی نزدیک به یک قرن، ویژگی‌های بصری متنوعی را به خود می‌پذیرد. در حالی که کبریت‌های خارجی، به ویژه کبریت‌های، سوئد، انگلستان، روسیه، هند و ژاپن، دارای گرافیک مشخص و قابل توجهی هستند، کبریت ایرانی معمولاً ساده است، کیفیت چاپ قابل توجهی ندارد و به ندرت تجارب تازه را می‌پذیرد. علاوه بر این، بسیاری از کبریت‌های شناخته شده‌ی ایرانی، کپی‌های فارسی شده‌ای از کبریت‌های معروف خارجی هستند. اما گستردگی این کالای کوچک در فرهنگ معاصر ما، چنان چشمگیر و قابل توجه است که هنوز دیدن کبریتی با نشان توکلی، ممتاز یا صدقیانی، خاطرات تاریخی نه چندان دور را در ذهنمان تداعی می‌کند.

بیکره‌ی مطالعاتی این پژوهش، به کبریت‌های پیش از انقلاب ۱۳۵۷ اختصاص دارد که از نظر ابعاد عمدتاً به سه نوع متعارف (استاندارد)، بغلی (کتابی) و آشپزخانه (جعبه بزرگ) قابل تفکیک هستند. همچنین قوطی کبریت‌ها از نظر جنس، شامل سه نوع چوبی، پلاستیکی و در نمونه‌های جدیدتر مقوایی، می‌شوند. از آنجایی که این پژوهش بیشتر بر معرفی یک فرهنگ مهم تصویری برای مخاطبان آشنا به گرافیک و هنرهای دیداری تمرکز دارد تا ارائه‌ی ویژگی‌های مورد توجه مجموعه‌داران کبریت، لذا در آرایش صفحات کتاب و چینش کبریت‌ها، ابعاد واقعی کبریت‌ها لحاظ نگردیده است؛ به طوری که ترجیح داده‌ایم فارغ از ابعاد واقعی، کبریت‌هایی که از نظر بصری ویژگی‌های بارزتری دارند، به شکلی بزرگ‌تر یا تمام صفحه نمایش داده شوند.

کبریت‌های تولید شده در زنجان، از ۱۳۱۲ خورشیدی .....	۲۲۶
کبریت‌های تولید شده در شاهرود، از ۱۳۱۴ خورشیدی .....	۲۳۳
کبریت‌های تولید شده در گیلان، از ۱۳۱۸ خورشیدی .....	۲۳۴
کبریت‌های تولید شده در مشهد، از ۱۳۲۳ خورشیدی .....	۲۳۸
کبریت‌های تولید شده در خرم‌دره و اهر، از ۱۳۲۴ خورشیدی .....	۲۴۵
کبریت‌های تولید شده در قزوین، از ۱۳۲۴ خورشیدی .....	۲۴۶
کبریت‌های تولید شده در اراک، از ۱۳۲۵ خورشیدی .....	۲۴۸
کبریت نه‌هاوند، ۱۳۲۵ خورشیدی .....	۲۴۹
کبریت‌های تولید شده در نیشابور، از ۱۳۲۴ خورشیدی .....	۲۵۰
کبریت‌های تولید شده در بروجرد، [احتمالاً] از ۱۳۲۴ خورشیدی .....	۲۵۲
کبریت‌های تولید شده در درود، از ۱۳۲۵ خورشیدی .....	۲۵۳
کبریت مشترک درود و نیشابور، از ۱۳۲۵ خورشیدی .....	۲۵۴
کبریت بیرجند، از ۱۳۲۵ خورشیدی .....	۲۵۵
کبریت‌های تولید شده در تویسرکان، ۱۳۲۶ خورشیدی .....	۲۵۶
کبریت‌های تولید شده در ابهر، از ۱۳۳۲ خورشیدی .....	۲۶۲
کبریت‌های تولید شده در کرج، از ۱۳۳۴ خورشیدی .....	۲۶۴
شرکت سهامی کبریت تبریز (صدقیانی، ۱۳۴۱ خورشیدی) .....	۲۶۶
کبریت‌های جعبه پلاستیکی صدقیانی .....	۲۸۸
کبریت‌های غیرشرکتی .....	۳۲۰
کبریت تبلیغاتی .....	۳۳۵
منابع: .....	۳۹۳

## کبریت ایرانی

در فرهنگ ناظم الاطباء ذیل تعریف کبریت آمده است «چوب کوچک و باریکی که در نوک آن گوگرد باشد. فارسیان خسی را گویند که به آب گوگرد تر کرده، خشک سازند و به اندک گرمی آتش گیرد و برای افروختن شمع و چراغ به کار آید». در قدیم کبریت از تکه چوب‌های باریک یا چوب شاهدانه ساخته می‌شده که یک یا دو سر آن را در گوگرد مذاب برده بودند؛ اما افروخته نمی‌شد، مگر در تماس با جسمی مشتعل (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲/۱۸۱۳۸). علاوه بر معنی امروزی و متعارف کبریت، در متون کهن فارسی و عربی به عنصر گوگرد نیز اطلاق شده که خاصیت اشتعال داشته است. در بسیاری از نسخه‌های خطی فارسی و عربی که به فنون و صنایع کهن می‌پردازند، معمولاً موضوع ساخت کبریت به میان آمده است. از جمله کتاب بیان‌الصناعات<sup>۱</sup> نوشته‌ی جیش‌بن ابراهیم‌بن محمد بن تقیسی یا کتاب کشف‌الصنایع (قرن ۱۳ق) نوشته‌ی علی حسینی که دایره‌المعارفی در حوزه‌ی صنعت، هنر، علوم و فنون دوره‌ی قاجار است و در فصل هفدهم آن به روش ساخت کبریت پرداخته شده است (افکاری، ۱۳۸۲: ۵۶). علاوه بر این، اصطلاح کبریت احمر که بارها در متون مربوط به علم کیمیا و صنایع کهن آمده، به معنی گوگرد سرخ است که از مکانی نه‌چندان معلوم به دست می‌آید. کبریت احمر به غایت کمیاب است، به طوری که در تاریخ ادبیات و عرفان اصطلاحاً به هر چیزی که دشوار به دست آید، کبریت احمر گفته‌اند.

علاوه بر این، نوع دیگری از کبریت به نام «کبریت پا اجاق» در گذشته وجود داشته، که ساختار آن با کبریت صنعتی امروزی متفاوت بوده است. این نوع کبریت را کسانی به نام «کبریتی» با مراجعه به در خانه‌ها، با لباس‌ها و پارچه‌های کهنه عوض می‌کرده‌اند؛ یعنی در برابر کبریت پای اجاق، لباس و منسوجات کهنه می‌گرفته‌اند. «کبریت پای اجاق از نوع کبریت‌های متعارف سایشی نبوده است. در ساخت این نوع کبریت، ساقه‌ی گندم به درازی حدود ۲۵ سانتی‌متر را از دو

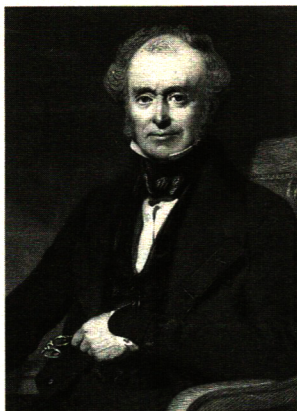
اگر چه در این پژوهش صرفاً کبریت‌های پیش از انقلاب مورد نظر بوده، اما در چند نمونه به طور استثنا، کبریت‌های آشنای پس از انقلاب نیز لحاظ گردیده است. مانند برخی از کبریت‌های جدیدتر توکلی، ممتاز، مشهد و به ویژه کبریت‌های «۲۹همن»، که به طور قابل توجهی، بازگو کننده‌ی شرایط سیاسی و اجتماعی ایران در تحولات پس از انقلاب و دوران جنگ هشت ساله هستند. به طور کلی در این پژوهش، کبریت‌هایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که گرافیک دستی یا غیر کامپیوتری دارند. تقریباً از دهه‌ی ۱۳۶۰ کبریت‌هایی مزین به عکس و از دهه‌ی ۱۳۷۰ کبریت‌هایی با گرافیک کامپیوتری تولید می‌شوند که اکثراً از نظر داشتن ویژگی‌های گرافیکی و بصری، حائز اهمیت نیستند.

به یقین این پژوهش بدون همکاری مجموعه‌داران کبریت به نتیجه نمی‌رسید. پیش از همه، باید سپاس‌گزاری کنم از مجموعه‌دار محترم آقای مهدی غیاث که بدون همراهی و هم‌فکری او، گردآوری و طبقه‌بندی کبریت‌ها به سادگی میسر نمی‌گردید. علاوه بر ایشان، آقایان پدرام صبا، مرحوم عباس علیین، شهرام مالکی، کاظم و کامران تفنگدار، کورش پارسانزاد، علیرضا بهارلو، خشایار فهیمی، احمد ایلپاتی کاشانی و خانم شهلا کلاتتری، هر یک به شکلی در تکمیل این کتاب، مؤثر بوده‌اند. در ضمن لازم به اشاره است که بیشتر سرقاصه‌های چاپ شده در کتاب حاضر، به مجموعه‌ی آقای ایلپاتی کاشانی تعلق دارد.

این کتاب هم‌مسو با دیگر پژوهش‌های نگارنده، گامی کوچک است در معرفی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فرهنگ بصری ایرانیان در دهه‌های گذشته، و نیز تلاشی در جهت بازخوانی و افزودن گزاره‌ای تازه بر تاریخ گرافیک و فرهنگ تصویری سرزمینمان.

شهرزاد مهاجر  
تهران، بهار ۱۳۹۵

۱. قرن ششم، نسخه‌ی خطی ۱۳۲۹، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشگاه تهران.



جان واكر، مخترع كبريت سايشی  
(عكس از فصلنامه‌ی نیو اكونومی)

New Economy, 14 October 2014

طرف با مواد شیمیایی ارزان می‌آلودند و ۵۰ ساقه را به هم می‌بستند و یک دسته کبریت پای اجاق، درست می‌کردند. این کبریت‌ها روشن نمی‌شدند، مگر آنکه نوک آنها را داخل آتش یا خاکستر داغ فرو می‌کردند» (شهریاری، ۱۳۸۳: ۲۷۱). مصرف این نوع کبریت‌ها بیشتر پهلوی اجاق‌های خوراکی‌پزی بوده، همچنین قیمت آن ارزان، اما از لحاظ کاربردی پرارزش بوده است.

پیشینه‌ی تولید صنعتی کبریت را می‌توان از نیمه‌ی نخست قرن هجدهم به بعد، یعنی با اختراع کبریت سایشی توسط جان واکر<sup>۱</sup> در سال ۱۸۲۷ دنبال کرد. اما برخی از ملت‌ها پیش از این تاریخ خود را مبدع نخستین شکل ابتدایی کبریت می‌دانند. مثلاً چینی‌ها معتقدند نخستین نوع کبریت را خانم‌های تنگدست دربار در جریان محاصره‌ی نظامی بخشی از چین در حدود ۵۷۷م ابداع کرده‌اند. توصیف این کبریت‌ها در کتابی به نام شرح عجایب و غرایب<sup>۲</sup> که در حدود ۹۵۰م توسط نویسنده‌ای به نام تائوگو<sup>۳</sup> نوشته شده، چنین آمده است: «در شب، به هنگام نیاز فوری، شاید مدتی طول بکشد که برای روشن کردن چراغ آتش درست کنند. اما انسان مبتکری چوب‌های کوچک بلوط را با گوگرد آغشت و آنها را آماده‌ی مصرف نگاه‌داشت. این چوب‌ها با کوچک‌ترین تماس شعله می‌زنند. اندازه‌ی شعله به اندازه‌ی دانه‌ی گندم است، این چیز غریب را قیلاً غلام آتش‌بیار می‌خوانند، اما بعداً که به صورت کالای تجارتي درآمد، به چوب آتشزنه معروف شد». احتمالاً همین کبریت در قرن شانزدهم توسط مسافران به اروپا برده می‌شود (کبریت، ۱۳۶۷: ۲۳).

پیش از تأسیس نخستین کارگاه کبریت‌سازی در ایران و همچنین پیش از واردات کبریت فرنگی، می‌توان به نشانه‌هایی از آگاهی ایرانیان نسبت به کبریت فرنگی در متون دوره‌ی قاجار برخورد کرد. مثلاً در یکی از نخستین نمونه‌ها، میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی در کتاب سفینه‌ی طالبی با کتاب احمد (۱۳۱۱ق)، که مشتمل است بر پاسخ‌های پدری به فرزند خود احمد، در

خصوص پیدایش کبریت چنین به احمد پاسخ می‌دهد:

«عقل بنی نوع انسان چندین هزار سال چیزی می‌جست که به واسطه‌ی او، تحصیل آتش در وقت لزوم سهل و سریع باشد، پیدا نمی‌کرد و همه‌ی مساعی او بی‌نتیجه می‌ماند، تا اینکه در تاریخ فوق [۱۷۶۹] معلوم شد (آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد) آنچه می‌جستند، قوه‌ایست که در استخوان همه‌ی انسان و حیوان خلق شده، همه کس او را با خود دارد و بی‌وجود او زندگی ذی روح محال است. او را اجزای ناریه و به زبان یونانی فوسفور گویند. بعد از پیدا شدن او، اکنون سر چوب‌های نازک را به قدر دانه‌ی خردل، خمیر گوگرد می‌گیرند و میان همان اجزای ناریه فرو می‌برند و بیرون آورده می‌خشکانند، میان قوطی‌ها چیده، به اسم کبریت فرنگی می‌فروشند. [...] حالا انواع و اقسام کبریت‌ها درست می‌کنند. بعضی فقط روی در قوطی خودش می‌سوزد و بعضی به هر جا بکشی می‌سوزد» (عبدالرحیم طالبوف، ۱۳۱۱ق: ۳۰-۲۷).

چند سال پس از عبدالرحیم طالبوف تبریزی، زین العابدین مراغه‌ای نیز در

1. John Walker

2. the Records of the Unworldly and the Strange

3. Tao Gu